

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی- پژوهشی

سال ۱۱- شماره ۲- تابستان ۱۳۹۷- شماره پیاپی ۴۰

سبک شخصی غزلیات حسین منزوی

(ص ۱۷۳-۱۵۳)

حسین خسروی^۱ (نویسنده مسئول)، سهراب برگ‌بیدوندی^۲، امیرحسین همتی^۳

تاریخ دریافت مقاله: پاییز ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: زمستان ۱۳۹۵

چکیده

حسین منزوی از شگردهای مختلفی برای تشخیص بخشیدن به زبان شعری خود استفاده کرده است. از همین روی، یکی از راههای شناخت هنرهای ادبی وی که میتواند گامی برای شناخت مختصات سبکی منزوی باشد، بررسی جنبه‌های گوناگون زبان شعر اوست. منزوی با استفاده از زبان، توصیفات، تصاویر و اندیشه‌های تازه در شعر، یکی از نوآوران این عرصه محسوب میشود. در این مقاله کوشش شده است به بررسی ویژگیهای سبک شخصی شعر منزوی (با تکیه بر غزلیات) بعنوان یکی از پیشگامان و پیشاهنگان غزل، در سه حوزه زبانی (آوایی، واژگانی و نحوی)، ادبی (تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز و بدیع) و فکری (مضامین و محتوای اشعار) پرداخته شود. لازم بذکر است منبع مورد استفاده نویسندگان «مجموعه اشعار» حسین منزوی است که به کوشش محمد فتاحی در سال ۱۳۸۷ چاپ شده است.

کلمات کلیدی: حسین منزوی، سبک‌شناسی نظم، شعر معاصر، غزل

^۱ - دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شهر کرد، شهر کرد، ایران (h_khosravi2327@yahoo.com)

^۲ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شهر کرد، شهر کرد، ایران (sohrab3492@jmail.com)

^۳ - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شهر کرد، شهر کرد، ایران (hamatamir80@yahoo.com)

۱- مقدمه

حسین منزوی یکی از غزلسرایان معاصر ایران و یکی از شاعران اثرگذار (از فکری، ادبی و زبانی) در میان نسل جوان دهه‌های شصت و هفتاد و پیشرو بسیاری از آنها بوده است و در مقایسه با دیگران از شهرت و موقعیت ویژه‌ای برخوردار است. خصایصی از نظر سبکی و تنوع بیان در اشعار وی هست که ممکن است این خصایص در معاصران وی کمتر باشد و شایسته است که این ویژگیها بصورت کلی بررسی شود.

۲- پیشینه تحقیق

درباره سبک شخصی حسین منزوی، پژوهشی که به طور دقیق و متمرکز پیشینه‌ای برای این موضوع، یعنی «سبک شخصی حسین منزوی» بحساب آید تاکنون انجام نشده است، اما آثار، پایان‌نامه‌ها و مقالاتی در خصوص شعر وی نوشته شده است که هر کدام تنها به بخشی از موضوع پرداخته‌اند.

۳- درباره غزلیات حسین منزوی

غزلیات حسین منزوی مشتمل بر ۴۳۶ غزل (۳۶۷۲) بیت است. کوتاهترین غزل وی ۳ بیت دارد با مطلع:

الا زنی که صدایی - فقط صدا - ای زن!
صدای با دل و جان من آشنا ای زن!
(غزل شماره ۲۷۰)

بلندترین آن ۱۸ بیت است با مطلع:

شاعر! تو را زین خیل بی‌دردان، کسی نشناخت
تو مشکلی و هرگزت آسان، کسی نشناخت
(غزل شماره ۱۴۵)

۳۲۳ غزل وی یعنی ۷۴/۰۸ درصد جزء غزلیات متوسط هستند. پس میتوان نتیجه گرفت که ایشان به سرودن غزلیات متوسط (بین ۷ تا ۱۰ بیت) تمایل داشته است.

۴- ویژگیهای زبانی غزلیات حسین منزوی

۴-۱- سطح آوایی یا سبک‌شناسی آواها

در این خصوص مقاله مبسوطی نوشته شده که ما را از تکرار آن در اینجا معاف میکند. (رک: بررسی وزنی غزلهای منزوی، مهدی فیروزیان، فرهنگستان، س ۱۳، ش ۱، پاییز ۱۳۹۲، ص ۱۰۶ - ۷۵)

جدول ۱- بسامد غزلیات منزوی از نظر تعداد ابیات

| تعداد ابیات | تعداد غزلیات | درصد |
|-------------|--------------|------|
| ۳ | ۱ | ۰/۲۲ |
| ۴ | ۸ | ۱/۱ |
| ۸ | ۷ | ۱/۶ |
| ۶ | ۴۱ | ۹/۴ |
| ۷ | ۸۱ | ۱۸/۸ |
| ۸ | ۱۱۰ | ۲۵/۲ |
| ۹ | ۷۸ | ۱۷/۸ |
| ۱۰ | ۵۴ | ۱۲/۳ |
| ۱۱ | ۲۸ | ۶/۴ |
| ۱۲ | ۲۰ | ۴/۵ |
| ۱۳ | ۴ | ۰/۹۱ |
| ۱۴ | ۲ | ۰/۴۵ |
| ۱۵ | ۱ | ۰/۲۲ |
| ۱۶ | ۰ | - |
| ۱۷ | ۰ | - |
| ۱۸ | ۱ | ۰/۲۲ |
| ۳۶۷۲ | ۴۳۶ | ٪۱۰۰ |

۴-۲- سطح لغوی

۴-۲-۱- باستان‌گرایی

میزان استفادهٔ منزوی از واژه‌های کهنه ۳۹۵ کلمه (با احتساب تکرار برخی از کلمات) می‌باشد.

۴-۲-۲- استعمال لغات فارسی

نعداد زیادی از مفردات سبک خراسانی به شعر منزوی راه یافته است.

ای باغ اهورایم افسوس که کردند بیفرّه و بیفر و شکوه، اهرمنانت
(غ ۳۶۸، ب ۷)

نمونه‌های بیشتر: نگارینا (۵۰)، دژخیم (۹۴)، اینت، زهی (۱۸۹)، به‌آیین (۲۲۷)، آونگ، شرحه‌شرحه، قناره (۱۹۹)، برخی (۳۲۸)، پتیاره (۴۲۸) ...
آنچه باعث تمایز منزوی از دیگر شاعران معاصر او شده است این است که به کاربردن واژه‌های کهنه در کنار دیگر لغات امروزی به بافت شعر او آسیب نمیزند و کلمه آنقدر خوش‌مینشیند که از بیت بیرون نمیزند و توسط کلمات پس و پیش به خوبی حمایت میشود. این لغات کهنه باعث جلب توجه بیشتر خواننده میشود.

۴-۲-۳- استعمال ادات تشبیهی کهن

ادات تشبیهی کهنه‌ای که منزوی در تشبیهات خود از آنها بهره برده است عبارت است از: «چون، چونان، چو، همچو، چنان، چنانچون».

چنانچون گله آشفته تا سامانم آموزی فراهم کن مرا با جذبه آواز چوپانی
(غ ۳۸۸، ب ۳)

۴-۲-۴- تخفیف واژگان

زان بیهشی سنگین، وان خواب غبارآگین هشیارم و بیستارم این بار که می‌آیم
(غ ۱۴۲، ب ۷)
نمونه‌های بیشتر: معجز ۲۶ / مه ۹۶ / فسون ۱۲۴ / همره ۱۳۱ / استاده ۱۷۴ / خامش، فرامش ۴۷۸.

۴-۲-۵- به کار بردن واژه‌های نامتداول عربی به جای واژه‌های فارسی

عصیر دفتر حافظ؟ شراب شیرازی؟ چه هستی آخر؟ کاین گونه گرم و گیرایی
(غ ۱۱، ب ۳)
نمونه‌های بیشتر: استحالت ۴۱ / رمزالدوام ۵۸ / مدغم ۱۸۹ / تحاشی ۱۹۲ / موشح، تنجیم ۳۸۳ / تدحین ۴۴۴.

۴-۲-۶- استعمال برخی از کاربردهای کهن

گل کرده باغی از ستاره در نگاهت آنک چراغانی که در چشم تو برپاست
(غ ۲، ب ۳)

نمونه‌های دیگر: بدینسان ۴۰ / اینت ۱۸۹ / آنسان ۵۲۷ /

۴-۲-۷- شکل قدیمی برخی از واژه‌ها

نسیم سبزی، از جلگه‌های تخدیری گل سپیدی، بر آبهای رؤیایی
(غ ۱۱، ب ۷)

خالی شدم از خویش و به حالت نرسیدم آخر مگر این دانه اسپند به چند است؟
(غ ۳۶۱، ب ۲)

۴-۲-۸- موتیف

دو نوع موتیف را میتوان در شعر منزوی سراغ گرفت یک نمونه موتیفهای کهنه‌ای که رنگ و بوی سیاهی و غم دارد. مانند: شب، تاریکی، پاییز، ظلمت، خزان، زمستان، برف، سرما، توفان، سیاهی، خاموشی، تیرگی، جنون، هراس، غم، قفس، دیوار، دار، یعقوب، هجران، مرگ، پریشانی، فریاد و... یا موتیفهایی که با روشنی و شادمانی در ارتباط است مانند: بهار، گل، غنچه، سرو، شادی، عشق، عاشق، بوسه، لب، چشم، مست، خورشید و ...

۴-۲-۹- واژه‌های پرسامد

واژه‌های پرسامد در شعر منزوی عبارتند از عناصری که همیشه یا به صورت دوتایی در یک بیت تکرار میشوند: مانند: آب و آتش / ابتدا و انتها / ازل و ابد / بالا و پایین / بیم و امید / بهار و خزان / بیدار و خواب / عقل و عشق / مرداب و ماهی / جام و گل / سنگ و آینه / غنچه و گل / یوسف و یعقوب / انالاحق و منصور / سنگ و قدح / شوکران و شکر / فرهاد و شیرین / لیلی و مجنون / چراغ و دزد / سیمرغ و اسفندیار / زیر و بم / فرود و فراز / سقف و ستون / مار و عصار / فرهاد و بیستون / رستم و سهراب / عاشق و معشوق / فرهاد و تیشه / منصور و دار / سقراط و شوکران / ساحل و دریا / شیشه و سنگ / غروب و طلوع / کلید و قفل / فریاد و گلو / یوسف و پیراهن و یعقوب / یا به صورت پراکنده در اشعار منزوی وجود دارد. مانند: عشق / عاشق / چشم / بوسه / سرو / ستاره / خورشید / نرگس / باران / زلف / آینه ...

۴-۲-۱۰- آفرینش واژگان و اصطلاحات نو

استفاده از واژه‌های نو یکی از خصایص شعر حسین منزوی است. او خود معتقد است که انسان فرزند زمان است و اگر در گذشته بماند راهی از پیش نبرده است. سهم استفاده منزوی از این واژه‌ها ۸۷ واژه میباشد.

خوش میچرد آهوی لب، غافل از این لب
این لب که پلنگانه کمین کرده برایش
(غ ۵۵، ب ۲)

اگر تو میشکنی لیلیانه، کاسسه من
چه غم که شیوه دلبرگزینیت زیباست
(غ ۱۸۳، ب ۴)

خانه‌های دم کرده، کوچه‌های بغض‌آلود
طرح شهر خاکستر در زمینه‌ای از دود
(غ ۴۲، ب ۱)

خسته و دلچسب، مهربان و غم‌آلوده
آمدنت مثل آفتاب زمستان است
(غ ۴۵، ب ۲)

برای آنکه به شوق تو پا نهم در راه
شب است و چشم شیاویز با سحر دارم
(غ ۱۹۲، ب ۱۳)

نمونه‌های دیگر: نازگون ۷۷ / وسوسه‌باز / ۱۴۴ / نهنگانه ۲۳۲ / تلخانه ۲۲۹ / نازمند ۲۳۹ /
بوسابوس ۲۵۰ / نازکدانه ۲۶۳ / آذرخشانه ۳۲۸ / گلاگل ۳۶۱ / زمزمه‌رس ۳۷۰ ...

۴-۲-۱۱- واژه‌ها و اصطلاحات روز

کاربرد این کلمات در اشعار منزوی، گاهی با هنرمندی ویژه‌ای صورت گرفته و جذابیت و زیبایی خاصی به شعر او بخشیده است. میزان استفاده منزوی از این واژه‌ها ۱۳۰ کلمه میباشد.

بازو به بازوی هم، در خیابان روانیم
با چتری از عشق، در زیر باران روانیم
(غزل ۳۷۳، ب ۴)

نمونه‌های بیشتر: ناب ۷۵ / آلاچیق ۹۶ / روسری ۱۴۱ / عروسک ۱۴۶ / دوربین ۱۷۱ /
سمباده ۱۷۴ / بادبادک ۴۳۳ ...

۵- ویژگیهای نحوی

۵-۱- باستانگرایی در قیدها

مست از تو شد هرآینه دریا که مست شد
ای شط ملتقای تمام شراپها
(غ ۶، ب ۶)

در لحظهٔ پسین هم هرگز نشدسرت خم کز دیرباز ای دوست این بود عادت تو
(غ ۷۱، ب ۷)

کاربرد قید نفی «نه» به صورت جدا از فعل برای منفی ساختن، این نوع کاربرد بیشتر به سبک عراقی نزدیک است. نمونه‌های مشهور آن را میتوان در غزلیات سعدی جستجو کرد.

نه دست بهاری نوازد تنم را نه مرغی به شاخم کند آشیانه
(غ ۲۳، ب ۸)

۵-۲- ترکیبات وصفی نوین

در من طلوع آبی آن چشم روشن یادآور صبح خیال‌انگیز دریاست
(غ ۲، ب ۲)

نمونه‌های بیشتر: برج سوت و کور ۳۵ / تپه‌های مست ۴۵۵ / سرنوشت بختکی ۴۵۶ / هُرای نانجیب ۵۱۱ ...

۶- ویژگیهای ادبی غزلیات

۶-۱- تشبیه

یکی از مؤلفه‌ها و ویژگیهای سبکی در شعر هر شاعری، توانایی وی در ارائهٔ تشبیه و استعاره و به طور کلی صُور خیال در شعر است و از این رهگذر است که قدرت شاعری او شناخته میشود و میتوان هنر وی را ارزیابی کرد. «دیگری از جملهٔ بلاغت تشبیه گفتن است و راستترین و نیکوترین آن است که چون باشکونه کنییش تباه نگردد و نقصان نپذیرد، و هر یکی از مانندکردگان به جای یکدیگر بایستد به صورت و به معنی». (ترجمان‌البلاغه، رادویانی: ص ۴۴)

بررسی این شکل خیالی در غزلهای منزوی نشان میدهد که او مبدع تشبیهات نو و بدیع است. این شاعر در اشعار خود ۱۲۴۸ نوع تشبیه به کار برده است که از این تعداد ۶۱۷ تشبیه یعنی ۴۹/۴۱ درصد تشبیه حسی به حسی است. تشبیهاتی که مشبه به آن حسی است دارای بسامد بالایی است و مجموعاً ۸۰/۰۸ درصد از مشبه‌به‌های او را تشکیل میدهد که نمونه‌هایی از آن در زیر آمده است.

۶-۱-۱- شبیه‌به‌اعتبار طرفین (حسی و عقلی)

الف) تشبیه حسی به حسی:

من آن مرغ غمگین تنها نشینم
که دیگر ندارم هوای ترانه
(غ ۲۳، ب ۴)

ب) تشبیه عقلی به حسی:

چه میشد عشق را چون قرص نان تقسیم میکردند
به هر کس حصه‌ای در خورد او تقدیم میکردند
(غ ۲۳۴، ب ۱)

ج) تشبیه حسی به عقلی:

تو مثل عشق، لطیفی، سزد که خوابت را
ز شعر بستر و از نغمه‌گاهواره کنی
(غ ۷۲، ب ۳)

د) تشبیه عقلی به عقلی:

آوازه‌ات دهان به دهان میرود چو عشق
بی‌آن که کهنگی بپذیرد مقال تو
(غ ۱۳۹، ب ۶)

۶-۱-۲- تشبیه بلیغ

این نوع تشبیه خیال‌انگیزی و ابهام بیشتری در ذهن خواننده ایجاد میکند. این تشبیه جزء پرکاربردترین تشبیهات شعر منزوی (۴۷/۲۵ درصد) است. بیشتر تشبیهات بلیغ به صورت اضافی است.

جوی کوچک را به رگ یخ بسته خون درجا، مگر
در کف کولاک، شلاق زمستان دیده است
(غ ۱۰۰، ب ۳)

۶-۱-۳- انواع تشبیه به اعتبار مفرد، مقید و مرکب بودن

الف) تشبیه مفرد به مفرد:

سهم استفاده منزوی از این نوع تشبیه ۸۰/۲۲ درصد میباشد.
به هوش باش و وسوسه به آب و رنگها مشو
که نفس همچو اژدها ترا به دام میکشد
(غ ۴۱۷، ب ۵)

ب) تشبیه مفرد به مقید:

نه رودی سر به فرمانم که سیلابی خروشانم
که از قید مصب و بستر و سرمنزل آزادم
(غ ۱۲۴، ب ۳)

ج) تشبیه مفرد به مرکب:

هر جرعه‌ای که میخورم از تو معطر است
برگ گلی رها شده در ساغر منی
(غ ۵۲، ب ۱۰)

د) تشبیه مرکب به مرکب:

با شور، تو خون میزند از سینه بروم
چون ساقه که بشکافدش از پوست جوانه
(غ ۵۷، ب ۴)

۶-۱-۴- تشبیه وهمی

تو روح نقره‌ای چشمه‌های بی‌داری
تو نبض آبی دریاچه‌های خواب منی
(غ ۱۳، ب ۳)

۶-۱-۵- تشبیه خیالی

باغ خونینی است شعر من که جای غنچه و گل
خون دل آویخته از شاخه‌های چامه من
(غ ۲۶۳، ب ۵)

۶-۱-۶- تشبیه جمع

این نوع تشبیه نسبت به بقیه تشبیهات، دارای بیشترین بسامد، یعنی ۵۲/۳۸ درصد (نسبت به انواع تشبیه از نظر شکل) است.

تو مثل خنده گل مثل خواب پروانه
تو مثل آنچه که ناگفتنی است زیبایی
(غ ۱۱، ب ۹)

۶-۱-۷- تشبیه ملفوف

ناچار ساختم با هر دو که عقل و عشقم
چون پر و پای طاووس زیبا و زشت من بود
(غ ۳۳۰، ب ۵)

۶-۱-۸- تشبیه مفروق

تو آفتاب و من چو گل آفتابگرد
چشم به هر کجاست تویی در مقابلم
(غ ۱۳۵، ب ۶)

۶-۱-۹- تشبیه تسویه

مرا ز خویش کشیدی برون و در پی عشقت
خراب و خسته چو مجنون به دشت و درّه کشاندی
(غ ۴۱۷، ب ۴)

۶-۱-۱۰- تشبیه تفضیل

ای بوسه‌ات شراب و از هر شراب خوشتر
ساقی اگر تو باشی حالم خراب خوشتر
(غ ۲۳۸، ب ۱)

۶-۱-۱۱- تشبیه مشروط

بعد از این اگر باش لم در نبود خواهم بود
مثل تاب بی‌تابی، مثل رنگ بیرنگی
(غ ۳۵۶، ب ۲)

۶-۱-۱۲- تشبیه از نظر وجه‌شبهه

الف) وجه‌شبهه مفرد:

دشت پیش‌روی تو سفره‌ای است گسترده
میچری در آرامش قوت نیزه‌زارت را
(غ ۱۴۴، ب ۶)

ب) وجه‌شبهه متعدد:

مثل غصه، عینی و ملموس و جان‌داری، تو کی
قصه موهوم و بیجان از کتابی بوده‌ای؟
(غ ۱۲۶، ب ۴)

ج) وجه‌شبهه مرکب:

خوب‌من، خواب تو را دین در این دنیای بد
چون گل روییده در مرداب، تعبیرش تویی
(غ ۱۴۸، ب ۶)

۶-۱-۱۳- نوآوری در تشبیهات

بخشی از تشبیهات منزوی در اشعارش اساس کهنه و کلیشه‌ای دارد که او با شگردها و شیوه‌های مختلف، آنها را در جامه و پوششی نو ارائه مینماید یعنی مشبه‌به را به استعاره یا اضافه تشبیهی بدل میکند.

تو مثل خنده گل مثل خواب پروانه
تو مثل آنچه که ناگفتنی است زیبایی
(غ ۱۱، ب ۹)

۶-۲- استعاره

یکی دیگر از صورتهای خیالی که بعد از تشبیه در اشعار منزوی نمود بیشتری دارد. «استعاره» است.

۶-۲-۱- استعاره مصرحه

کاربرد استعاره مصرحه نسبت به تشخیص در شعر منزوی کمتر است و تنها ۹۸ مورد یعنی ۱۷/۴۰ درصد را به خود اختصاص داده است.

تو پیکی و همه پیغام عاشقان داری
از آن پری، گل قاصد! برای من چه خبر؟
(غ ۱۱۶، ب ۲)

در این استعاره‌ها منزوی برای روشننگری و درک بهتر تصاویر شعر خود، مستعاره را هم در بیت ذکر میکند؛ مانند استعاره ستاره از گل در بیت زیر:

از باغ ستاره چیده چشمم
صد دسته گل از برای عشقت
(غ ۲۵، ب ۷)

گاهی شاعر استعاره مصرحه را به چیز دیگری تشبیه میکند، مانند تشبیه، استعاره «گل» به «غنچه»:

دور از چاک گریبان تو آموخت به من
گل من، غنچه صفت، سر به گریبانی را
(غ ۲۹، ب ۳)

از شگردهای دیگر منزوی این است که در مصراع اول یک اضافه تشبیهی به کار میبرد و در مصراع دوم اضافه تشبیهی را به استعاره مصرحه تبدیل میکند. در مصراع اول «کتاب

عمر» اضافه تشبیهی است و در مصراع دوم با حذف کلمه «عمر» تنها واژه «کتاب» باقی مانده است که استعاره مصرحه از «عمر» است:

کتاب عمر ورق خورد بار دیگر و با تو به عاشقانه‌ترین فصل این کتاب رسیدم
(غ ۲۳۸، ب ۴)

گفتنی است طرفین استعاره مصرحه در شعر منزوی، تقریباً وضعیتی شبیه طرفین تشبیهات وی دارد و تکرار مستعارله و مستعارمنه عناصری است که در تشبیهات وی آمده است. مانند تشبیه «تو به ستاره دنباله‌دار»:

تو چون ستاره دنباله‌دار دره و من گیج چگونه ثبت کنم این عزیز، این سفری را
(غ ۳۳، ب ۴)

ستاره استعاره از معشوق است.

ای غنچه دمیده من یک دهن بخند خورشید من، ستاره من، باغ من، بخند
(غ ۳۶۳، ب ۱)

۶-۳- کنایه

در شعر فارسی کنایات، بسیار گسترده است و در شعر حسین منزوی جایگاه خاصی دارد. حسین منزوی با استفاده از زبان، اندیشه‌های تازه و استفاده از واژه‌های عامه در قالب غزل یکی از نوآوران این عرصه محسوب میشود. کنایات، در شعر او نمودی چشمگیر دارد و میتواند از دلایل محوری غزل او به شمار آید.

در بررسی غزلیات این شاعر ۴۱۹ کنایه یعنی ۱۱/۴۱ درصد، استخراج شد که از این تعداد و درصد ۳۶۱ کنایه حدود ۸۶/۱۵ درصد را کنایه مصدر یا فعل که رایجترین نوع کنایه است، تشکیل میدهد.

دریای شورانگیز چشمانت چه زیباست آنجا که باید دل به دریا زد همین جاست
(غ ۲، ب ۱)

گمان نمیرم این بار جان به در برم از خود چنین که خنجر بیخویشی آخته است به سویم
(غ ۱۳۶، ب ۵)

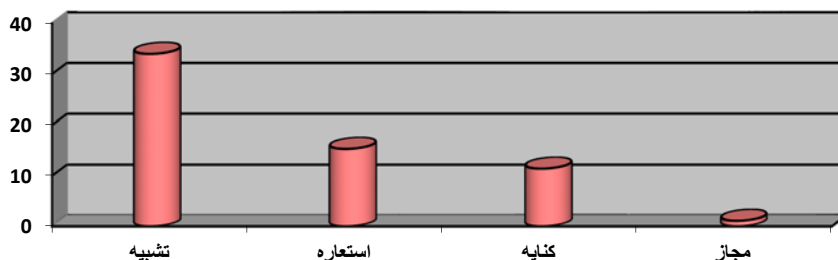
کنایات منزوی به لحاظ وضوح و خفا از گونه ایماست.

۶-۴- مجاز

از میان شکل‌های خیالی، آنچه کمترین بسامد را در غزلیات منزوی دارد مجاز است. این صورت خیالی ۴۰ بار یعنی حدود ۱/۲۰ درصد در اشعار منزوی به کار رفته است. از بین انواع مجاز، مجاز به علاقه بدلیت ۲۳ درصد و مجاز به علاقه ماکان ۲۱ درصد و پس از آن مجاز به علاقه حال و محل ۱۹ درصد، بالاترین بسامد و علاقه قوم و خویشی کمترین بسامد را در میان مجازهای به کار رفته در غزلیات منزوی به خود اختصاص داده است.

کجا روم که نه در حلقه نگین تو باشد؟ مگر به ساحتی از سایه شما بگیریم
(غ ۱۱۱، ب ۷)

آسمان نمازش را رو به خاک میخواند ماه نو که میبوسد نعل نقره کارت را
(غ ۱۴۴، ب ۱۰)



شکل ۱- درصد موارد علم بیان به نسبت تعداد ابیات غزلیات

۶-۵- انواع جناس

یکی دیگر از روش‌های افزودن موسیقی کلام در غزلیات منزوی، تکرار واژه به صورت جناس است. جناسهایی به کار رفته در غزلیات منزوی هیچگونه تکلف و تصنعی در شعر به وجود نمی‌آورد. سهم استفاده منزوی از انواع جناس ۲۸۸ مورد یعنی ۷/۸۴ درصد است. در ابیات زیر بترتیب «جناسهای تام، ناقص، مطرف، مختلف‌الاول، مختلف‌الآخر، مختلف‌الوسط، مکرر، اشتقاق، لفظ، خط و قلب» به کار رفته است.

| | |
|---|--|
| اسیر سر به <u>هوایی</u> شوم، هم از تو بتر | اگر <u>هوای</u> یکی چون تو را به سر دارم (غ ۱۹۲، ب ۵) |
| غمت را بزرگ دید دلم بس که <u>تنگ</u> شد | نگنجد دگر به <u>تنگ</u> ، که ماهی نهنگ شد (غ ۳۳۳، ب ۱) |
| نگاه کرد و نکرد آنچنان به گوشه چشم | که هم <u>درو</u> در آن خفته بود و هم <u>درو</u> (غ ۲۹۰، ب ۱) |
| ای همه <u>دستان</u> ز تو <u>مستی</u> <u>مستان</u> ز تو هم | رمز <u>میستان</u> همه تو، راز <u>نیستان</u> همه تو (غ ۳۸، ب ۴) |
| نشسته‌ام به عزای چراغ <u>مردۀ</u> خود | بیا که <u>سوک</u> مرا، ای ستاره! <u>سور</u> کنی (غ ۱۲، ب ۲) |
| عشق گلهی <u>زندگی</u> <u>سزاست</u> و گلهی <u>زندگی</u> <u>سوز</u> | تا پریزاد من از بهر کدامین خواهد آمد (غ ۳۴، ب ۶) |
| در من ادراکیست از تو <u>عاشقانه</u> <u>عاشقانه</u> | از تو تصویر <u>یست</u> در من <u>جاودانه</u> <u>جاودانه</u> (غ ۹، ب ۱) |
| منم و ردای تنگی که بجز منش <u>نگنجد</u> | نه فلک بر <u>آستانم</u> ، نه خدا در <u>آستینم</u> (غ ۱۹۵، ب ۳) |
| با <u>هفت‌خان</u> این تو به تویی نیست شاید | ما گمشده در وادی <u>هفتاد</u> <u>خوانیم</u> (غ ۳۰۲، ب ۵) |
| در <u>جنگ</u> <u>سرنوشت</u> ، <u>دمی</u> صحبت تو را | از <u>چنگ</u> <u>روزگار</u> ، <u>غنیمت</u> <u>گرفته‌ام</u> (غ ۱۹۹، ب ۲) |

قامت سیاه عشق ورق پاره من هم رو سفید دفتر سودا از این سواد
(غ ۱۳۸، ب ۵)

۶-۶ مناظره

صیغه‌های اول شخص، دوم شخص و سوم شخص مفرد از مصدر «گفتن» در ابتدای مصراعهاست. به عبارت دیگر مناظره که از انواع ادبی به شمار می‌آید، خود جلوه‌ای از تکرار واژه است. اوج تکرار در سؤال و جواب است. (بیان، شمیسا، ص ۸۷) سهم استفاده منزوی از این آرایه ۱۸ بیت یعنی ۰/۴۹ است.

گفتی بین آسمان را، غرق شهب و شراره است انگار در جشن آتش، شب، گلشنی از ستاره است
گفتم که زیبلست، گفتی زیبلست؟ پس، عشق من دل بستنت در ستاره تنهاترین راه چاره است
(غ ۱۷۹، ب ۲۱)

۶-۷ طرد و عکس

این آرایه مانند قلب است با این اختلاف که در آرایه قلب، واک یک واژه جابه‌جا میشود، در حالیکه در طرد و عکس کلمات یک جمله جابه‌جا میشود که میتوان این آرایه را گونه‌ای از تکرار دانست. این آرایه در ۲۳ بیت یعنی ۰/۶۲ به کار رفته است.

ز گون ه و لب تو، بوسه بر کدام زخم که خوشتر است از آن این، این از آن خوشتر
(غ ۱۳۷، ب ۳)

۶-۸ اغراق

این آرایه در غزلیات منزوی به وفور دیده میشود و در ۴۴۵ بیت یعنی ۱۲/۱۱ درصد به کار رفته است.

عشق - آتشی که در دل‌مان شعله میکشید - از سورت هزار زمستان فسرده است
(غ ۳۰۶، ب ۶)

۶-۹ مراعات‌النظیر

این آرایه نقش بسزایی در زینت و زیبایی کلام منزوی دارد. و در غزل وی فراوان دیده میشود. میزان استفاده منزوی از این صنعت ادبی ۴۴۴ بار یعنی ۱۲/۰۹ است. گاهی شاعر چند مراعات‌النظیر را در یک بیت می‌آورد:

بیستون دفتر و تیشه قلم و شیرین تو تا چه نقشی بزندی، خامه فرهادی من
(غ ۲۵۹، ب ۷)

۶-۱۰- تضاد

سه‌م استفاده منزوی از این آرایه معنوی ۱۳۲ بار یعنی ۳/۵۹ درصد است.

ما را چه پروای توفان و بیش و کم آن مرغابی‌انیم و بر بال توفان روانیم
(غ ۴۱، ب ۲)

۶-۱۱- تلمیح

منزوی از شاعرانی است که آرایه تلمیح را به صورت متنوع در غزلیات خود به کار برده است. ۱۷۰ مورد تلمیح یعنی ۴/۶۲ درصد در غزل وی به کار رفته است. تلمیح در غزلیات این شاعر هشت حوزه مهم را دربرمیگیرد: ۱- تلمیحات عرفانی (اشاره به حلاج، بودا و ...) ۲- تلمیحات دینی (اشاره به امام علی، امام حسین و حضرت یوسف و عیسی، و ابراهیم و یعقوب (ع) ۳- تلمیحات قرآنی (اشاره به برخی آیات قرآنی) ۴- تلمیحات اساطیری (اشاره به رستم، اسفندیار، جمشید، سیاوش، بیژن، کاووس، ضحاک و...) ۵- تلمیحات تاریخی (اشاره به قیام سرداران، بابک و...) ۶- تلمیحات عاشقانه (اشاره به لیلی و مجنون، خسرو و شیرین، شیرین و فرهاد، وامق و عذرا و ...) ۷- تلمیحات ادبی (اشاره به حافظ، سعدی، رودکی و ...) ۸- تلمیحات علمی (اشاره به علوم مختلف مانند علوم ریاضی، فلسفه، ادبیات و ...). این تلمیحات نشان‌دهنده فراوانی اطلاعات شاعر و تنوع موضوعات اشعار او است.

۷- ویژگیهای فکری غزلیات

۷-۱- وصف عشق زمینی

منزوی زندگی بدون عشق را با مرگ یکی میداند و عشق را اساس و بنیان حیات میداند. همچنین عشق را جاودان و ازلی میداند. از نظر منزوی عشق از ازل وجود داشته و اساس خلقت جهان بر پایه عشق بوده است.

و کلمه بود و جهان در مسیر تکوین بود و دوست داشتن آن کلمه نخستین بود
(غ ۱۶۴، ب ۱)

منزوی اعتقاد دارد که ای کاش عشق را مانند قرص نان تقسیم میکردند و به هر کس به اندازه شایستگی و ظرفیت او، حصه‌ای میدادند و عشق را به کسانی که ارزش آن را نمیدادند، نمیدادند

چه میشد، عشق را چون قرص نان تقسیم میکردند به هر کس حصه‌ای، در خورد او تقدیم میکردند

(غ ۲۳۴، ب ۱)

منزوی نام خود را عشق میدانده. غم و اندوه خود را بیرون ریخته. از مردم زمانه شکوه دارد که او را نمیشناسند.

نام من عشق است، آیا میشناسیدم؟ زخمیم - زخمی - سراپا میشناسیدم؟

(غ ۳۶۲، ب ۱)

۷-۲- وصف عاشق (شاعر)، ناکامیها و دردهای وی

شاعر بیش از شاعران دیگر جریانهای شعری از خود سخن میگوید و حالات و روحيات و هیجانات خود را در سروده‌هایش بروز میدهد. او خواهشهای دل، احساسات و رنجهای خود را در موضوعات مختلف از طریق تصاویر بکر بیان میدارد. غروب آفتاب و فرارسیدن تاریکی بدترین لحظات زندگی شاعر است. زیرا با دیدن ستارگان اشکش سرازیر میشود:

شب که می رسد از کناره‌ها گریه میکنم با ستاره‌ها

(غ ۱۵۷، ب ۱)

یکی دیگر از حوادث حسرت‌برانگیز در دوران زندگی منزوی، غم از دست دادن برادر است و این رویداد بیش از حد شاعر را اندوهگین و پریشان ساخت:

به خاک تو گلی از لخته‌های خون دل آرم که پرپرش کنم و بر مزار تو، بگذارم

(غ ۸۳، ب ۱)

همچنین به جدایی از همسر خود اشاره میکند:

ربوند جفت مرا از کنارم شکستند، بسال مرا بی‌بهبانه

که خفته است در من فروغ جوانی که مرده است در من امید جوانه

(غ ۲۳، ب ۶ و ۷)

۷-۳- غزلهای اجتماعی

پویایی موضوعات اجتماعی در شعر نیمه دوم سده نوزدهم و بعداً در شعر دوره مشروطیت پیدایش و گسترش شعر اجتماعی را سبب گردید. وجه مشخصه این شعر عمیقاً اجتماعی بودن آن است که از ژرفای جامعه نشأت میگیرد و با آگاهی از رسالت هنر به تصویر زندگی

و مناسبات اجتماعی مردم میپردازد. (جامعه‌شناسی ادبیات، شعر نو و تکامل اجتماعی، ترابی: ۵۲)

از غزل‌های اجتماعی منزوی است:

وقت آن آمد کز اندوهان سبکباری کنیم / شست و شو را اشک شوق از دیدگان جاری کنیم
خون به رگها، جان به تنها، جوش شادی میزند / زود باشد پُر شود این جام و سرشاری کنیم

خیز تا شمشیر در دستی و گل دست‌دگر / آستین افشان و پاکوبان، میان‌داری کنیم
(غ ۴۳، ابیات ۱-۳)

۷-۴- آمیختگی شاعر با طبیعت

کشف روابط تازه میان طبیعت و انسان یکی از مشخصه‌های بارز شعر منزوی است. این ویژگی فضا و تصاویر شعر او را ملموس‌تر و طبیعت‌تر ساخته است. منزوی در اشعارش به این روابط اشاره میکند. او از آواز جویباران، درخت و جنگل و کوه و دریا گرفته تا حیوانات مختلف به فراخور شعرش استفاده میکند.

من آن تک درختم که دژخیم پاییز / چنان کوفته بر تنم تـازـیـانه
(غ ۲۳، ب ۶)

۷-۵- اصطلاحات علوم مختلف

منزوی در شعر خود از واژه‌ها و اصطلاحات علوم ادبی، فلسفی، ریاضی، عرفانی و موسیقی استفاده نموده است و کاربرد این اصطلاحات، جذابیت خاصی به شعر او بخشیده است.

خورشید را با ستاره میسنجم و در کلامم / بی‌شک ستاره، کنایه، خورشید نیز ستاره است
(غ ۱۷۹، ب ۷)

خلاف منطق معمول عشق بود انگار / میان ما دو موازی که انطباق افتاد
(غ ۱۵۳، ب ۴)

۷-۶- تلفیق برخی از شخصیت‌های اساطیری و دینی

از شگردهای منزوی است که سعی کرده ما را با دو فرهنگ ملی و دینی آشنا کند.

چاه دیگر نه همان محرم اسرار علی است چاه مرگی که پنهان به ره تهمتن است
(غ ۴۰۱، ب ۲)

نه یوسفم نه سیاوش، به نفس کشتن و پرهیز که آورد دلم ای دوست، تاب و سوسه‌هایت
(غ ۱۴۶، ب ۱)

۷-۷- اشاره به برخی از شاعران، شخصیت‌ها، کتاب‌ها، شعرها و داستانها

یقین دارم که در وصف شکرخندت فروماند سخنها بر لب سعدی، قلمها در کف مانی
(غ ۱، ب ۵)

خواستی عقل هم اگر باشی عقل سـرخ گل شقایق باش
(غ ۲۸۱، ب ۴)

۷-۸- اشاره به شخصیتها و اساطیر غیر ایرانی

«سیزیف» قهرمان داستانی است که خدایان او را محکوم کرده بودند که پیوسته تخته سنگی را تا قلّه کوهی بغلتاند و از آنجا آن تخته سنگ را با تمامی وزن خود پایین اندازد. خدایان اندیشیده بودند که برای انتقام، عقوبتی دهشتناکتر از کار بیهوده وی نیست. (افسانه سیزیف، کامو: ص ۴۲)

سیزیف آموخت از من در طریق امتحان آری به دوش خسته سنگ سرنوشت خویش بردن را
(غ ۱۱۰، ب ۶)

۸- نتیجه

منزوی در غزلهای خود از ۱۱ بحر عروضی استفاده کرده است. از نظر بحر عروضی بیشترین بسامد اوزان غزلیات وی با ۱۱۲ مورد مربوط به بحر مجتث است و کمترین آن مربوط به بحر سریع است. او در غزلهای خود ۷۷ درصد از قافیه‌هایی بهره برده است که دارای مصوت بلندند. از مجموع ۴۳۶ غزل وی، ۲۵۲ غزل دارای ردیف است. از بررسی جنبه‌های گوناگون باستانگرایی در اشعار منزوی برمی‌آید که وی با تحقیق و تفحص و نیز بهره‌گیری از تجارب شاعران گذشته توانست زبان شعر و بیان خود را از آسیب یکنواختی و ابتذال و نارسایی معنایی حفظ کند. آرکائیسیم واژگانی و نحوی با بسامد بالا باعث تشخیص سبک شخصی و برجسته نمودن کلام ایشان شده است. در شعر حسین منزوی از انواع مختلف باستانگرایی

استفاده شده است، اما گرایش وی بیشتر به استفاده از واژه‌ها و فعلهای کهن است. در شعر او بسیاری از لغات و ترکیبات جدید حضور دارند که ساخته ذهن خلاق و نوجوی اوست. از سوی دیگر دایره واژه‌ها در شعر منزوی چه در حوزه واژگان روز و چه در حوزه واژه‌های عامیانه نیز بسیار متنوع و گسترده است. تشبیه مهمترین صور خیال از بین صورتهای خیالی در شعر منزوی است. چون شعر وی بیشتر پیرامون عشق، مسائل اجتماعی، شخصی و همچنین توجه به پدیده‌ها و جهان پیرامون است، همچنین از نظر حسی و عقلی بودن و مفرد و مرکب بودن تشبیه، منزوی به تشبیهات حسی به حسی و مفرد گرایش بیشتری داشته است. در اشعار این شاعر اضافه تشبیهی از فراوانی قابل توجهی برخوردار است. علاوه بر تشبیه، ۶۵۳ مورد استعاره، ۴۱۹ مورد کنایه و ۴۰ مورد مجاز در شعر وی به کار رفته است که از میان انواع استعاره به «تشخیص» و از میان انواع کنایه به کنایه مصدر و فعل و از میان انواع مجاز به مجاز به «علاقه بدلیت» نظر داشته است. همچنین ایشان توجه خاصی به موسیقی درونی بویژه تکرار کلمه (تقریباً ۱۲۰۰ بار)، واج‌آرایی و جناس و از نظر بدیع معنوی بیشتر به مراعات النظیر، تلمیح و تضاد داشته است. از نظر فکری وصف معشوق و مسائل اجتماعی، ملال و اندوه شاعر بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است. این ملال بیشتر از زندگی شخصی منزوی (از دست دادن برادر و جدایی همسر) نشأت میگیرد.

منابع و مأخذ

- ۱- افسانه سیزیف، کامو، آلبر (۱۳۴۲)، ترجمه علی صدوقی، تهران: سپانلو.
- ۲- بیان، شمیسا، سیروس (۱۳۸۱)، تهران: فردوس.
- ۳- بررسی موسیقی در غزلهای سیمین بهبهانی، حسین منزوی و محمدعلی بهمنی، مدرسی، فاطمه و کاظم‌زاده، رقیه (۱۳۸۸)، فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، شماره ۲، ص ۱۶۴-۱۸۰
- ۴- بررسی کارکردهای تکرار در شعر معاصر، روحانی، مسعود (۱۳۹۰)، مجله بوستان ادب دانشگاه شیراز، سال سوم، شماره دوم، ص ۱۴۵-۱۶۸.
- ۵- ترجمان البلاغه، محمدبن عمر رادویانی (۱۳۶۲)، تهران: اساطیر.
- ۶- جامعه‌شناسی ادبیات، شعر نو و تکامل اجتماعی، ترابی، علی اکبر (۱۳۷۹) چاپ دوم، تهران: فروغ آزادی.
- ۷- جلوه‌گری فرهنگ عامه در ادبیات فارسی، رادفر، ابوالقاسم (۱۳۸۰)، تهران: نامه فرهنگ.
- ۸- دیوان غزلیات، حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۹)، به کوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ بیست و هفتم، تهران: صفی علیشاه.
- ۹- دستور زبان فارسی، احمدی، حسن، انوری گیوی، حسن (۱۳۸۵) تهران: مؤسسه فرهنگی فاطمی.
- ۱۰- شاهنامه فردوسی، فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، بر اساس نسخه زول مل، چاپ سوم، به کوشش عبدالله اکبریان راد، تهران: الهام.
- ۱۳- قافیه در شعر فارسی، آهی، حسین (۱۳۸۹)، تهران: قصل پنجم.
- ۱۴- مجموعه اشعار، منزوی، حسین (۱۳۸۷)، به کوشش محمد فتحی، تهران: آفرینش.
- ۱۵- مقالات ادبی - زبان شناختی، حق‌شناس، علی محمد (۱۳۷۰)، چاپ اول.
- ۱۶- مبانی زبانشناسی و کارکرد آن در زبان فارسی، نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۰) ج ۷، تهران: نیلوفر.
- ۱۷- وزن شعر فارسی، ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۷)، تهران: توس.